

نقش کارآفرینی و آموزش آن در توسعه روستایی

نیلوفر کوثری^۱ و سعید کریمی^۲

۱ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا؛ niloufarkowsari@yahoo.com

۲ استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا؛ karimis54@yahoo.com

چکیده

تغییر و تحولات سریع علم و فناوری در سال‌های اخیر سبب شده است که کشورهای جهان به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته و مناطق روستایی با چالش‌های جدیدی روبرو شوند که، گذر از آن‌ها نیازمند به کار گرفتن رویکردها و روش‌های خلاقانه است. در این میان نقش کارآفرینی و وجود افراد کارآفرین می‌تواند تعیین کننده باشد. بسیاری از صاحب‌نظران کارآفرینی را موتور محرک رشد اقتصادی می‌دانند و بر این باورند که کارآفرینی می‌تواند به کاهش بیکاری و فقر و در نتیجه به توسعه روستایی کمک شایانی کند. مطالعه‌ی حاضر که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، به بررسی نقش کارآفرینی و آموزش آن در توسعه روستایی پرداخته است. در این مقاله پس از تبیین موضوعات توسعه، توسعه روستایی، کارآفرینی و هم‌چنین آموزش کارآفرینی به نقش این نوع آموزش در توسعه روستایی پرداخته شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که فرآیندها و برنامه‌های آموزشی خاص می‌تواند با تغییر بینش و نگرش افراد و تجهیز آن‌ها به دانش و مهارت‌های خاص، یک کارآفرین بالقوه را به کارآفرین بالفعل تبدیل کند. در شرایطی که محیط روستایی سرشار از فرصت‌هایی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید است؛ می‌توان با کارآفرینی و آموزش آن به روستاییان از این فرصت‌ها نهایت بهره را برد، که نتیجه آن منجر به رشد و توسعه روستایی و در نهایت رشد و توسعه کشور خواهد شد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، نقش آموزش کارآفرینی، توسعه روستایی

The role of entrepreneurship and its education in rural development

Niloufar Kowsari and Saeid Karimi,

M.Sc. Graduate, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University,
Assistant professor of Bu-Ali Sina University
Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University,
Hamedan, Iran

Abstract

There is strong evidence that entrepreneurship is causally related to economic growth and poverty reduction. Many countries around the world, especially less developed countries and rural areas, have faced new challenges in recent years as a result of rapid changes in science and technology. Solving these challenges requires the adoption of creative and innovative approaches and methods. In this regard, the role of entrepreneurship and entrepreneurs can be very crucial. Many scholars believe that entrepreneurship is a key driver of economic growth and job creation and play a critical role in reducing poverty and unemployment and fostering rural development. This study is a descriptive and review and its aim is to review the role of entrepreneurship and its education in rural development. In this article, after explaining the concepts of development, rural development and entrepreneurship, the role of entrepreneurship education in rural development is stated. In conclusion, it can be stated that there are many new business opportunities in rural areas; therefore, we should inspire and educate rural people to identify and exploit these opportunities that in turn brings about rural development.

Keywords: Entrepreneurship, Entrepreneurship Education, Rural Development



مقدمه

ویژگی بارز اقتصاد معاصر، تغییرات است. لذا کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند، که قابلیت تطبیق با تغییرات را داشته باشند (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳). زمانی که کارآفرینی به عنوان شغل توسط بسیاری از اعضای جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد. به دلیل نقش و جایگاه ویژه کارآفرینان در روند پیشرفت و رشد اقتصادی، بسیاری از دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته و پیشرو تلاش می‌کنند، با حداکثر امکانات و بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقاتی، شماری از افراد جامعه را که دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند؛ به آموزش کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه هدایت کنند (موحدی و همکاران، ۱۳۹۳). دلیل اهمیت کارآفرینی در مطالعات اخیر، نقش آن در توسعه اقتصادی و هم‌چنین رشد اجتماعی کشورهاست (معصومی و زمانی، ۱۳۹۳).

در نیمه اول قرن بیستم، شومپتر، اقتصاددان و نظریه‌پرداز اجتماعی، مطالب گسترده‌ای پیرامون کارآفرینی و تأثیر آن بر اقتصاد نوشت. تحقیقات شومپتر در این زمینه بود که کارآفرینان نوآور موجب نوعی عدم تعادل پویا در اقتصاد می‌شوند. وی، فرد کارآفرین را یک "تخریب گر خلاق" تلقی می‌کرد، که با تجاری‌سازی نوآوری و جا انداختن آن در محیطی که قبلاً فاقد آن بوده، تعادل اقتصادی را برهم می‌زند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۵).

مطابق آمار منتشر شده توسط سازمان ملل، تقریباً ۶۲ درصد از جمعیت کل دنیا را روستاییان تشکیل می‌دهند (پوررجب، ۱۳۸۹). هم‌چنین در اکثر مناطق جهان، روستاها از جمله نواحی فقیر و در حال فرسایش محسوب می‌شوند، در نتیجه؛ اندیشمندان و سیاست‌گذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را معطوف به امر توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آن نموده‌اند (پورکریمی و صبوری، ۱۳۹۰).

صاحب‌نظران بر این باورند، که کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی و در نتیجه توسعه روستایی داشته باشد. یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی، کارآفرینی است. زیرا کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی داشته باشد. فعالیت‌های کارآفرینانه به عنوان پاسخی به رکود و مشکلات موجود در بخش کشاورزی و هم‌چنین به عنوان یک استراتژی بقاء برای خانوار روستایی در نظر گرفته می‌شود. کارآفرینان بخش کشاورزی با مهارت‌هایی که با تشخیص فرصت‌ها، موقعیت‌ها و ایجاد حرکت در توسعه این موقعیت‌ها دارند، پیشگامان حقیقی تغییر در اقتصاد تولید و تحولات اجتماعی بخش کشاورزی محسوب می‌شوند (عیلخانی دادوکلابی و اصغر نژاد، ۱۳۹۳). روستاها به دلیل داشتن منابع طبیعی و انسانی بی‌شمار می‌توانند، زمینه‌ساز حضور بسیاری از حرفه‌های نو و کارآفرینانه گردند (Chrisman, et al. 2003).

یکی از عوامل مؤثر در توسعه و تقویت کارآفرینی، آموزش آن است. آموزش کارآفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کمیت و کیفیت کارآفرینی در یک جامعه اثر می‌گذارد. با اجرای این سیاست همواره می‌توان به اهداف گوناگونی مانند شناخت فرصت‌ها، چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها، آشنایی با فنون و دانش فنی جدید و چگونگی به کارگیری آن‌ها در علوم مختلف جامع عمل پوشید. بررسی محققین منتج به پیش‌بینی و طراحی دوره‌های آموزشی کارآفرینی شده‌است؛ که هدف آن‌ها تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، فرصت‌شناس و به طور کلی افرادی دارای تمایل بیش‌تر به راه‌اندازی کسب‌وکارهای مستقل می‌باشد.

در کل می‌توان این‌گونه اذعان کرد که توسعه کارآفرینی یکی از نیازهای جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری است. در این راستا ترویج کارآفرینی به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شود. نقش بخش کشاورزی، به عنوان بنیان اقتصادی روستا در تولید ناخالص داخلی در حال کاهش است و این امر تأثیر زیادی در کسب‌وکارهای کوچک محلی داشته‌است. در نتیجه پدیده مهاجرت از روستاها به شهرها ادامه دارد. بنابراین؛ در روستاها باید محیطی مناسب برای رشد بخش‌های غیرکشاورزی و فعالیت‌های شرکت‌های تولیدی و خدماتی رقابت‌پذیر فراهم شود (بنی‌اسدی و همکاران، ۱۳۹۱).

بنابراین، با توجه به اهمیت و ضرورت کارآفرینی و آموزش آن در توسعه کشاورزی و روستایی، هدف مقاله حاضر این است که تا با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به تشریح کارآفرینی، آموزش کارآفرینی و نقش آن در توسعه روستایی بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی و توصیفی با استفاده از شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتاب‌خانه‌ای و با توجه به مطالعات پیشین و دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با بحث کارآفرینی، آموزش آن و توسعه روستایی نگارش شده‌است. در این مقاله برخی از مباحث هم‌چون کارآفرینی و نقشی آموزش آن در توسعه روستایی با تأکید بر جنبه اقتصادی تعریف شده‌است.

توسعه: توسعه به عنوان یک مفهوم متعالی، دستاورد بشری و پدیده‌ای چند رشته‌ای است. توسعه به دلیل این که دستاورد انسان محسوب می‌گردد، در محتوا و نمود، دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمره‌ای است، که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین توسعه دستیابی فرآیندهای انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است. این مفهوم‌سازی بر معنای اولاً توسعه یک فرآیند است و نه یک وضعیت ایستا، دوماً این فرآیند در نهایت به ارزش‌ها مربوط می‌شود و سوماً این ارزش‌ها، ارزش‌های مردمانی است که صرفاً به جهان غرب تعلق ندارند (شهبازی، ۱۳۸۴).

توسعه روستایی فرآیند چند بعدی است، که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتکالی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌نماید که در آن‌ها قدرت، توان، اختیار بهره‌گیری از قابلیت و منابع در اختیارشان تقویت نماید، تا به واسطه این بتوانند؛ وضعیت موجودشان را به مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند (ازکیا، ۱۳۸۴).

توسعه روستایی: همانند مفهوم توسعه در طول زمان تعاریف مختلفی را داشته و در برگیرنده‌ی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی بوده‌است. گروهی توسعه روستایی را مترادف با عمران روستایی می‌پندارند. در چهارچوب، یک مفهوم جامع و چند بعدی است، که هم در برگیرنده توسعه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن است و هم زیربنای اقتصادی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و هم توسعه انسانی را در بر می‌گیرد. برخی توسعه روستایی را یک رشته علمی عبارت از، برخورد و واکنش بین علوم کشاورزی، اجتماعی، مهندسی و مدیریت می‌دانند (ملاشاهی و تبریزی دخت فرد، ۱۳۹۳).

از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده‌است. از آنجایی که عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند؛ که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهر نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع اراضی (در مقابل رشد جمعیت) و عدم مدیریت صحیح مسئولان بوده‌است. به همین جهت، برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقاء سطح و کیفیت زندگی روستائیان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، توسعه روستایی متولد گردید (پورکریمی و صادق‌صبوری، ۱۳۹۰).

به طور کلی توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه‌ی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستاها است، که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند. برنامه‌های توسعه روستایی باید به مواردی هم‌چون ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش رفاه و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد. البته پایداری برنامه‌های توسعه روستایی زمانی است، که خود مردم روستا با اتکا به خود آن را اجرا نمایند (بهرامی، ۱۳۸۳).

کارآفرینی: برای ارائه مفهوم مناسبی از واژه‌ای باید آن را به صورت شفاف تعرف نمود. در مورد کارآفرینی تعریف واحدی وجود ندارد و از ابتدا مفاهیم گوناگونی برای ارائه این واژه مطرح شده است، که در ادامه به بررسی این تعاریف پرداخته می‌شود.

در تعریف ارائه شده در فرهنگ وبستر، کارآفرین کسی است: که متعهد می‌شود، مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل نماید. در تعریف دیگر، کارآفرینی در بردارنده‌ی حیطه وسیعی از فعالیت‌ها نظیر تولید ثروت، ایجاد کسب‌وکار جدید، ایجاد اشتغال،



تغییر و نوآوری، رشد و ایجاد ارزش می‌باشد. سیلیگ (۲۰۰۳) کارآفرینی را نوعی سبک مدیریتی می‌داند، که به تعقیب فرصت‌ها بدون توجه به منابع موجود و تحت کنترل می‌پردازد. کارآفرینی هر نوع کسب و کاری جدید و فعالیت‌های مخاطره‌آمیز منجر به خود اشتغالی، ایجاد سازمان جدید و یا توسعه سازمان‌های موجود است، که از طریق یک فرد، گروه و یا سازمان از قبل تأسیس شده انجام می‌شود (نادری مهدی، ۱۳۹۳).

در کل کارآفرینی را باید یکی از ضروریات هزاره جدید دانست، عصری که به هنگامه جهانی شدن مرسوم است و در بردارنده پیام‌های مهمی هم‌چون توسعه تکنولوژی، تغییر و تحولات شتابناک در عرصه مبادلات بشری، رقابت شدید و بی‌رحمانه در عالم کسب و کار است. در نتیجه کارآفرینی به عنوان یک شغل می‌تواند، به عنوان شکلی از زندگی انتخاب شود؛ چرا که کارآفرینی همانند همه مشاغل دیگر آموخته می‌شود، مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد و برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌شود.

کارآفرینی رو ستایی: کارآفرینی رو ستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد، بلکه تنها در شیوهی اجرایی کارآفرینی رو ستایی با مناطق شهری اختلاف وجود دارد. شرایط خاص مناطق روستایی مانند: بالا بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی باعث می‌شود، که زمینه کارآفرینی در این نواحی متفاوت از سایر نواحی باشد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). تا کنون کارآفرینی در جوامع شهری بیش‌تر از جوامع رو ستایی مورد توجه قرار گرفته است. در صورتی که توسعه کامل یک جامعه وقتی امکان‌پذیر خواهد بود، که بخش‌های آن جامعه به صورت یکپارچه توسعه یافته باشند. در این راستا ایجاد توسعه در جوامع روستایی هم‌زمان با جوامع شهری ضروری به نظر می‌رسد، به دلیل این‌که کارآفرینی می‌تواند برخی از مشکلات روستایی را رفع کرده و برخی دیگر از مشکلات را کاهش دهد. کارآفرینی در جوامع روستایی از چند جهت قابل توجه است: ۱) ایجاد شغل با هزینه سرمایه‌ای نسبتاً کم (۲) توسعه یک سرمایه‌گذاری مشترک توسط کارکنان ماهر (۳) تجارت‌های کوچک یک منبع نوآوری در محصولات، خدمات و تکنیک‌ها هستند. (۴) از طریق ایجاد کسب و کارهای کوچک در جامعه، سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌انداز محلی افزایش یافته و استفاده از منابع محلی تشویق می‌شوند (پورکریمی و صبوری، ۱۳۹۰). کارآفرینی روستایی می‌تواند، به خلق خطرپذیری‌هایی ارجاع داده شود که حاصل موهبت‌های منحصر به فرد مناطق روستایی است که در کلان شهرها موجود نیست. مثالی که در این زمینه می‌توان بیان کرد همان فعالیت‌هایی است، که مستلزم کشاورزی هستند و یا این که صنایع روستایی را می‌توان نام برد (ایزدی و عطائی، ۱۳۹۲).

یکی از مناسب‌ترین تعریف‌های کارآفرینی روستایی این گونه تشریح می‌گردد: نیرویی که سایر منابع را برای پاسخگویی به تقاضای بی‌پاسخی بازار بسیج کند، توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ و فرآیند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت می‌باشد. چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساخت‌مندی عوامل تولید مرتبط بوده و مانع بروز فناوری‌هایی نوآورانه نمی‌گردد. این تعبیر از کارآفرینی می‌تواند به عنوان محرک اولیه در توسعه در نظر گرفته شود و دلیل فزونی رشد نرخ اقتصادی در ملت‌ها، مناطق و اجتماعات مشوق کارآفرینی را در قیاس با ملت‌ها، مناطق و اجتماعی که نهادها، سیاست‌ها و فرهنگشان تضعیف کننده کارآفرینی است، بیان نماید (کلاگر و آقائی، ۱۳۹۳).

کارآفرینی در مناطق روستایی گستردگی زیادی دارد و به دلیل تسلط بخش کشاورزی در اغلب مناطق روستایی، تأکید عمده مطالعه بر کارآفرینی کشاورزی است؛ زیرا توسعه کارآفرینی روستایی، قابلیت برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستائیان محسوب می‌شود و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطرات معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی، دارای عناصر پایه است؛ که تمرکز عمده آن‌ها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی و خدماتی است که کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را فراهم می‌سازد. بر این اساس، کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نو برای کار در مناطق روستایی ایجاد کند، که از چندین جنبه اهمیت دارد: اولاً آن که معقولانه است، یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا توانایی کنترل بیشتری بر کار خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، از جمله نیاز به رشد و توسعه سالم

فرصت‌های بیشتری به دست خواهند آورد. دوم آن که انسانی‌تر است، یعنی کار افراد و گروه‌ها نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است؛ مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان نیز نخواهد شد. سوم آن‌که، با محیط زیست سازگار است، به این ترتیب کار محیط طبیعی زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد (کلاگر و آقائی، ۱۳۹۳).

آموزش کارآفرینی: امروزه کارآفرینی یکی از اصلی‌ترین اهداف تعلیم و تربیت جوامع به شمار می‌آید، که از طریق آن مشکلات و موانع پیشرفت جامعه رفع و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها، رشد و توسعه جوامع حاصل می‌شود. در عصر حاضر که شاهد سرعت در تغییر و تحولات هستیم، پرورش نیروی انسانی کیفی که با به کارگیری نیروی تفکر و اندیشه؛ توان خلاقیت و نوآوری نیز داشته‌باشد در رشد و شکوفایی اقتصادی و صنعتی کشور اهمیت بسزایی دارد. (Kaveh Pische & Ghasempourmoghadam, 2015). از این‌رو آموزش کارآفرینی اهمیت می‌یابد.

آموزش کارآفرینی آموزشی است، که در جهت کسب مهارت‌های لازم در زمینه‌ی کارآفرینی صورت می‌پذیرد و می‌تواند اثرات مستقیمی در ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی داشته باشد (زارع‌احمدآبادی و عرب‌شاهی، ۱۳۹۰).

اصولاً آموزش کشاورزی بر سر پرورش منابع انسانی کارآمد تأکید دارد، که در اقتصاد دانش محور، جزء منابع تعیین‌کننده توسعه محسوب می‌شود. این مطلب می‌تواند مورد تأکید کشورهای در حال توسعه نیز باشد و دغدغه عدالت اجتماعی و نیاز صنایع را که کشورهای در حال توسعه با آن درگیر هستند، مرتفع سازد. بهتر است که کارآفرینان به مسائل: چگونگی شناسایی فرصت‌ها، کسب منابع و مدیریت آن برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، به کاربردن خلاقیت و رسیدن به راه‌حل‌های مفید، انجام ریسک‌های حساب شده و شریک شدن در پیامدها و پاداش‌ها بیشتر توجه کنند (علیخانی دادوکلائی و اصغر نژاد، ۱۳۹۳). آموزش کارآفرینی یک فرآیند یادگیری چند مرحله‌ای است، که حداقل در پنج مرحله متفاوت در زندگی توسعه و تحقق می‌یابد. در این دوره‌های یادگیری فرض می‌شود، که هر فرد در سیستم آموزشی باید فرصت‌هایی جهت یادگیری مراحل اولیه داشته باشد. اما در مراحل بعدی کسانی هدف‌گزینش و آموزش قرار می‌گیرند که با یادگیری هر مرحله بتوانند در آینده کارآفرین شوند. حال مراحل آموزش کارآفرینی به ترتیب سطح عبارتند از: سطح پایه، سطح پرورش شایستگی‌ها، سطح کاربرد خلاق، سطح راه‌اندازی کسب‌وکار و سطح رشد و توسعه (موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

راه‌اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال در روستاها، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانش‌ها و مهارت‌هاست و روستائیان، به ویژه جوانان روستایی اغلب از سطح مهارت کمتری در این زمینه برخوردارند. برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی و ارائه مشاوره در این زمینه، از سیاست‌های عمده توسعه کارآفرینی در روستاها می‌تواند باشد. در این برنامه‌های آموزشی، بر چهار گروه از مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان تأکید می‌شود:

- مهارت‌های علمی و فنی، بر اساس نوع فعالیت‌های صنعتی
 - مهارت‌های مدیریتی شامل: مدیریت مالی، بازاریابی، اداری و امور کارکنان
 - مهارت‌های کارآفرینی شامل: توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در بازار و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه در مقابله با چالش‌ها
 - مهارت‌های کارکنان شامل: خودتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و ... (ملاشاهی و تبریزی‌دخت‌فرد، ۱۳۹۳).
- یکی از اهداف آموزش کارآفرینی این است که آموزش کارآفرینی مسئله مجزا از آموزش معمول کسب‌وکار است. اصولاً ورود به تجارت فعالیتی است؛ که با مدیریت کسب‌وکار تفاوت دارد. آموزش کارآفرینی باید به ماهیت مبهم و نامشخص ورود به تجارت نیز توجه داشته باشد و برای نیل به هدف لازم است، شامل واحدهای مهارت‌ساز در مذاکره، رهبری، توسعه محصول جدید، تفکر خلاق و رویکرد باز به نوآوری‌های فناوری باشد. سایر قلمروهایی که برای آموزش کارآفرینی مهم تشخیص داده شده اند؛ شامل: (۱) انتخاب‌های موجود در شغل کارآفرینی، (۲) منابع سرمایه برای کسب‌وکار، (۳) حفظ ایده، (۴) شاخص‌های شخصیت کارآفرینی، (۵) تحمل ابهام و (۶) چالش‌های همراه با هر مرحله از توسعه کسب‌وکار می‌باشند (صالحی، ۱۳۸۵).

سکستون و کاساردا (۱۹۹۲) در دیدگاه کلان، چهار هدف عمده آموزش کارآفرینی را شامل موارد: ۱) آماده‌سازی افراد برای کسب مهارت حرفه‌ای، ۲) افزایش ظرفیت یادگیری افراد برای یادگیری بیشتر، ۳) رشد قابلیت‌های شخصی افراد و کمک به پی‌شرف جامعه می‌داند (موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

راه‌اندازی و اداره کسب‌وکارهای کارآفرینانه از دیگر قابلیت‌های کارآفرینانه بوده و انتظار می‌رود، افراد با بهره‌گیری دانش و مهارت‌هایی که در طی دوره‌های مهارت‌آموزی و آموزش کارآفرینی کسب می‌کنند، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه برای راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکارهای کارآفرینانه را داشته باشند. از این رو در تدوین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی، لازم است، موضوعاتی نظیر آشنایی با فرصت‌های کارآفرینانه و شرایط بازار، نحوه تهیه کسب‌وکارهای کارآفرینانه، مسائل حقوقی و مالیاتی، بازاریابی و به کارگیری نیروی کار مورد توجه قرار گیرد (موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

کارآفرینی و آموزش کارآفرینی، در توسعه روستایی: در عصر حاضر، که عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکار است، توجه به کارآفرینی در توسعه پایدار و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد. کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر جوامع بشری است، منبعی که به توان و خلاقیت انسان‌ها بر می‌گردد. اقتصاددانان این امر را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی روستا دانسته و سیاست‌مداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی‌ها در روستا می‌دانند. هم‌چنین کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را مکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته‌باشد، می‌داند (ملاشاهی و تبریزی‌دخت‌فرد، ۱۳۹۳).

به طور کلی یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی، کارآفرینی است. زیرا کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته‌باشد. به همین دلیل سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه تقویت کارآفرینی در فرآیند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نواحی روستایی به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی، با مسایل و مشکلات متعدد و متنوعی مواجه‌اند، که فقر و محرومیت از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. با توجه به نقش‌هایی متعددی که روستاها در فرآیند توسعه ملی به ویژه در زمینه تأمین مواد غذایی برعهده دارند، رشد و توسعه این نواحی اهمیت و ضرورت بسیاری دارد (ملاشاهی و تبریزی‌دخت‌فرد، ۱۳۹۳).

با گسترش و توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، زمینه بهره‌مندی روستاییان از کالاهای و خدمات رو به فزونی می‌گذارد و در نهایت، رشد اقتصادی و متعاقب آن توسعه روستایی محقق می‌شود. کارآفرینی روستایی در حمایت از توسعه روستایی مهم است، چون موجب: پیدا شدن فرصت‌های جدید برای مناطق روستایی، مصرف شهری-تولید روستایی، بازدهی و نوآوری و احساس فرصت‌های جدید و رشد تقاضا می‌شود (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳).

ورتمن (۱۹۹۰) اشاره می‌کند، که توسعه اقتصادی و کارآفرینی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. چنانچه در گزارش سالانه بخش مدیریت صنایع تجاری کوچک آمریکا نیز آمده است، دو سوم شغل‌های ایجاد شده در طول سال توسط کارآفرینان بوده است. بنابراین، توسعه روستایی و توسعه اقتصادی روستا ارتباط تنگاتنگی با کارآفرینی روستایی دارد (Heriot & Campbell, 2002).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر و روستا، فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳).

از دیدگاه مایا^۱(۲۰۰۲)، فرصت‌های تقویت کننده کارآفرینی پایدار روستایی عبارتند از:

- زیرساخت‌های مناسب، به ویژه در بخش کشاورزی؛
- بازاریابی محصولات تولیدی در روستا، مخصوصاً محصولات کشاورزی؛
- آموزش و افزایش آگاهی (همان).

کارآفرینی مهم است، زیرا مکانیزمی اقتصادی است، که از طریق آن ناکارآمدی‌های اقتصادی شناسایی و تقلیل می‌یابند. طبق نظر سازمان همکاری و توسعه^۲(۱۹۹۸) کارآفرینی از اهمیت حیاتی در کارکرد اقتصادهای بازار برخوردار است. کارآفرینی عنصری حیاتی عمدتاً در اقتصاد در حال رشد است، زیرا نوآوری‌های آن تقاضاهایی برای محصولات و خدمات جدید که قبلاً وجود نداشته‌اند، به بار می‌آورد (فرجی و همکاران، ۱۳۹۳).

نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی منحصر به افزایش بازده و درآمد سرانه نیست، بلکه شامل پایه‌گذاری و آغاز اعمال تغییرات ساختاری در فعالیت اقتصادی و اجتماعی است. به همین دلیل امروزه نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی کشورها آن قدر کلیدی است که از آن به عنوان موتور توسعه اقتصادی نام برده می‌شود و همه کشورها تلاش می‌کنند تا کارآفرینی را در کشورشان توسعه دهند. در واقع فعالیت کارآفرینی نیروی مثبتی است در رشد اقتصادی، که نقش آن در ایجاد پلی بین نوآوری و بازار، بیش از تأثیر آن در افزایش درآمد ملی از طریق ایجاد شغل است. از این رو، کارآفرینی به عنوان موتور اقتصادی نقش‌های: عامل نوآوری و روان کننده تغییر، عامل ساماندهی منابع و استفاده اثربخش از آنها، عامل رفع شکاف‌ها و تنگناهای بازار و جامعه، عامل ترغیب و شکل‌گیری سرمایه‌گذاری و ایجاد شرکت‌های نوپا و عامل اشتغال‌زایی و رفع بیکاری را در سطح جامعه ایفا می‌کند (نادری مهدی، ۱۳۹۳).

مطالعات مختلف نشان می‌دهد، که یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه روستایی پایدار کارآفرینی و آموزش آن است. البته قابل ذکر است، کارآفرینی تنها راهکار رسیدن به توسعه نمی‌باشد. اما می‌تواند در کنار سایر راهکارهای مناسب، بهترین آن‌ها باشد. وجود حمایت‌های مستمر از کارآفرینان روستایی، توسعه بسترهای مناسب در مناطق روستایی، تشویق کارآفرینان روستایی، استفاده از ترویج و آموزش کشاورزی برای دادن آموزش‌های کارآفرینی به افراد علاقه‌مند روستایی و ... می‌تواند از کارآفرینی، راهکار عملی مناسب برای اهداف توسعه روستایی یعنی ایجاد اشتغال مفید، افزایش درآمد و مشارکت و اتکا به نفس روستاییان بسازد (پورکریمی و صبوری، ۱۳۹۰).

برنامه‌های آموزش کارآفرینی در بخش کشاورزی از اصول و مبانی آموزش کارآفرینی عمومی پیروی می‌کند، بدون شک آموزش کارآفرینی یکی از ابعاد مهم و ضروری در برنامه‌های ترویج کارآفرینی در جامعه می‌باشد. در طی سال‌های اخیر آموزش کارآفرینی در حیطه کسب‌وکارهای جدید بیشتر مورد توجه بوده و از سوی کنفرانس کاخ سفید، به عنوان ششمین نکته مورد توجه برای حل مشکلات بنگاه‌های کوچک اقتصادی مطرح شده است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد، که آموزش کارآفرینی تأثیر مثبتی در توسعه برخی عوامل ادراکی مانند خود کارآمدی دارد (موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

به طور کلی می‌توان گفت کارآفرینی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستائیان است و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی و آموزش آن می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد (ملاشاهی و تبریزی‌دخت‌فرد، ۱۳۹۳) که نتیجه آن توسعه روستا و به قدرت رسیدن بخش اقتصادی روستا خواهد بود.

شریف زاده در پژوهشی تحت عنوان کشاورزی پایدار کارآفرینانه، در جست‌وجوی رهیافتی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه کشاورزی در سال (۱۳۹۴) نتایج خود را بدین سان بیان کرد که با توجه به چالش‌ها و پتانسل‌های مرتبط با رقابت پذیری، سودآوری، بهره‌وری و پایداری در بخش کشاورزی، کارآفرینی، نیروی حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار کشاورزی در کشور در حال توسعه به کار می‌رود. ملاشاهی و تبریزی‌دخت‌فرد

2- Maya

3- Organization For Economic Co- operation And Development (OECD).

در تحقیق خود در سال (۱۳۹۳) با عنوان اهمیت کارآفرینی و نقش آن در توسعه جوامع روستایی بیان کردند که یکی از مهم‌ترین راهکارها در جهت توسعه روستایی پایدار، رشد و توسعه کارآفرینی روستایی است. موحدی و همکاران در بررسی آموزش کارآفرینی کشاورزی پیش‌نیاز توسعه کشاورزی در سال (۱۳۹۳) اظهار داشتند که نظام آموزشی کشاورزی کشور به عنوان اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده نیروی ماهر و متخصص در بخش کشاورزی نقش بسیار مهمی در توسعه و گسترش آموزش‌های کارآفرینی دارند. در پژوهش علیخانی‌دادوکلایی و اصغرزاد با عنوان اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی در سال (۱۳۹۲) به این مضمون رسیدند که کارآفرینی در بخش کشاورزی موجب اشتغال، انتقال فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و کشف منابع جدید و استفاده اثربخش از آن‌ها، توزیع مناسب درآمد (عدالت اجتماعی)، نوآوری و خلاقیت در جامعه و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. در پژوهش بنی‌اسد و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان امکان‌سنجی توسعه کارآفرینی کرمان چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آموزش کارآفرینی در جهت توسعه روستایی نیازمند عواملی هم‌چون مهارت‌های فنی، دسترسی به امکانات، آشنایی به قوانین کار و ویژگی‌های روانشناختی می‌تواند تبیین‌کننده ویژگی‌های فرد کارآفرین روستایی باشند. کریمی‌پور و صبوری (۱۳۹۰) با مطالعه پیرامون نقش کارآفرینی در توسعه پایدار به این نتیجه رسیدند که: عاملی که سبب می‌شود توسعه پایدار مناطق روستایی هم راستا با پایداری طبیعت انجام گیرد؛ کارآفرینی پایدار است، که به دنبال کارآفرینی و تولید ثروت با در نظر گرفتن محدودیت‌های منابع طبیعی می‌باشد و می‌تواند با حفظ و بهبود منابع طبیعی، باعث کمک به توسعه پایدار مناطق روستایی کشور گردد. زمانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ی پرورش کارآفرینان در کشاورزی بیان کرده‌است که گروه‌های مختلف نیازهای آموزشی متفاوتی داشته‌اند، و به همین دلیل با رویکرد آموزشی ویژه‌ای می‌توان سبب تقویت روحیه کارآفرینی در بین گروه‌ها شد.

فرانسیس و چینه^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان کارآفرینی روستایی و توسعه روستایی در نیجریه چنین نتیجه‌گیری کردند که با استفاده در ست از منابع طبیعی در رو ستها و آموزش می‌توان باعث ایجاد شغل و مانع از مهاجرت رو ستاییان شد. ناگاراژا و دیویدی^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان توسعه روستایی پایدار از طریق برنامه‌های توسعه کارآفرینی بیان کردند، کارآفرینی عامل اصلی توسعه روستایی است که با تنوع بخشی به بخش غیرکشاورزی موجب رشد اقتصادی می‌شود. توما^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ی خود با عنوان توسعه اقتصادی و کارآفرینی در پژوهش خود چنین استنتاج کردند، که یکی از عوامل کلیدی برای توسعه اقتصادی کارآفرینی و توسعه کارآفرینی می‌باشد. برونجس و دیز^۴ در سال (۲۰۱۳) با بررسی تحت عنوان فشار رکود اقتصادی و رفاه کسب کارآفرینی در یک زمینه توسعه روستایی بررسی‌های خود را این‌گونه اذعان کردند، که اقتصاد کشاورزی در حال رشد است و جهت سرعت بخشیدن به آن باید با آموزش کارآفرینی به روستاییان زمینه شناخت فرصت‌ها را در آنان ایجاد کرد و به توسعه روستای و توسعه پایدار رسید.

بومگارتر^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در طی مقاله‌ای با عنوان کمیت کارآفرینی و تأثیر بر عملکرد اقتصادی محلی (ارزیابی فضایی روستایی در سوئیس) بیان کردند، رابطه‌ی مثبتی بین کارآفرینی و توسعه محلی وجود دارد.

نتیجه گیری

با توجه به مباحثی که مورد بررسی قرار گرفت می‌توان به این نتیجه رسید که علی‌رغم قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که در بخش کشاورزی کشور وجود دارد، شناخت این فرصت‌ها به دلیل عدم توانایی افراد و نداشتن آموزش‌های لازم، روند نزولی داشته‌است و همین امر موجب تشدید فقر و بیکاری و در نتیجه افزایش مهاجرت روستاییان شده است.

مهم‌ترین عامل توسعه در هر جامعه‌ای نیروی انسانی آن جامعه می‌باشد، در نتیجه فراهم کردن بستری جهت آموزش و هم‌چنین ایجاد زمینه‌های برای به کارگیری یادگیری افراد در بخش روستاها ضروری است. یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه روستایی ایجاد اشتغال و درآمد است که مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن کارآفرینی می‌باشد. کارآفرینی در روستاها موجب اشتغال، انتقال فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و کشف منابع جدید و استفاده اثربخش از آن‌ها، توزیع مناسب درآمد و عدالت اجتماعی، نوآوری و خلاقیت در جامعه و

1- Francis and Chinwe
2- Nagaraja and Dwivedi.
3- Thoma
4- Brunjes and Dize
5- Baumgartner

بهبود کیفیت زندگی می‌شود. هم‌چنین کارآفرینی به عنوان نیروی حیاتی برای توسعه پایدار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود.

به دلیل همین اثرات مثبت کارآفرینی، در طی دهه گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به کارآفرینی به عنوان یک راه حل اساسی بالقوه برای مشکلات گوناگون پیش روی کشور از جمله عدم کارایی در اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری، فقر در مناطق روستایی و ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در ایجاد شغل برای آن‌ها، توجه جدی مبذول داشته‌اند. یا توجه به اثرات مثبت و اهمیت روزافزون کارآفرینی، آموزش و توسعه‌ی آن در جامعه روستایی از اهمیت شایانی برخوردار است. نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد با کمک آموزش کارآفرینی می‌توان دانش، نگرش، مهارت و شایستگی‌های کارآفرینانه‌ی افراد را بهبود داد و آنها را به سمت رفتار و فعالیت‌های کارآفرینانه سوق داد.

پیشنهادها

- فراهم کردن محیط‌های آموزشی در روستاها و آموزش دادن به آن‌ها در جهت توانمندسازی افراد برای بکارگیری فرصت‌ها و موقعیت‌های موجود جهت کارآفرینی و رشد اقتصادی مردم روستا، که این امر نیازمند همکاری دولت از طریق مجرای مختلف از جمله بخش آموزش کشاورزی خواهد بود.
- معرفی مشاغل جدید به روستاییان که نیازمند ارائه آموزش‌های ویژه توسط افراد متخصص در این زمینه می‌باشد.
- مهیا کردن زیر ساخت‌های مناسب، جهت ایجاد نهادهای مستقیم مرتبط با کارآفرینی کشاورزی در روستا
- استفاده از روستاییان کارآفرین موفق در کلاس‌های آموزشی
- برگزاری دوره‌های متعدد آموزش کارآفرینی در بین روستاییان به‌ویژه برای زنان و جوانان روستایی که نیازمند آموزشگران متخصص در زمینه کارآفرینی است.
- ایجاد صندوق‌های حمایتی مالی در مناطق روستایی که حمایت بخش دولتی را می‌طلبد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: چاپ سو.
۲. ایزدی، نسیم و عطائی، پوریا. (۱۳۹۲). کارآفرینی روستایی و نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه آن. *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*. ۱۱(۴۰)، ۳۰-۳۴.
۳. بنی‌اسدی، ندا؛ ابراهیمی، محمدصادق و خاتون‌آبادی، سیداحمد. *امکان‌سنجی توسعه کارآفرینی در روستاهای شهرستان کرمان*. چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران. اردیبهشت ۱۳۹۱.
۴. بهرامی، عبدالعلی. (۱۳۸۳). فرآیند برنامه ریزی توسعه روستایی. *مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها*. موسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی. تهران: ۱۶۰-۱۴۵.
۵. پورجب‌میان‌دوب، پیمان. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی کارآفرینی روستایی در ایران. *ماهنامه دهختری*. ۶(۳۰)، ۲-۳۵.
۶. پور کریمی، بهاره و صبوری، محمدصادق. (۱۳۹۰). نقش کارآفرینی در توسعه پایدار. اولین همایش ملی راهبردی به کشاورزی پایدار دانشگاه پیام نور استان خوزستان.
۷. جهانگیری، محمد؛ آقاجانی، محمدرضا؛ آذرلو، میترا؛ عشقی‌عراقی، مهتاب و رئیس‌یان، محراب. *کاربرد مدل شبکه‌های فناوری در توسعه فرهنگ کارآفرینی روستایی و اشتغال به روش فازی*. پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال. مرداد ۱۳۹۵. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
۸. رضوانی، محمد و نجارزاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمین‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه‌ی نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان برآآن جنوبی (شهرستان اصفهان). *توسعه کارآفرینی*. ۱(۲): ۱۶۱-۱۸۲.

۹. زارع احمد آبادی، حبیب و عرب شاهی، شیوا. الزامات آموزش کارآفرینی زنان رو ستایی (مورد زنان رو ستایی یزد). نشریه‌ی مباحث بانوان شیعه. بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۲۶.
۱۰. زمانی، غلامحسین. (۱۳۸۷). پرورش کارآفرینان در کشاورزی. مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی در آموزش علمی کاربردی کشاورزی.
۱۱. شریف زاد، محمد شریف. (۱۳۹۴). کشاورزی پایدار کارآفرینانه: در جست و جوی رهیافتی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی. نشر کارآفرینی در کشاورزی. (۱)، ۱۰۳-۱۲۹.
۱۲. شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۴). توسعه و ترویج روستایی (چاپ چهارم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. صالحی، مسعود و صالحی، سعید. (۱۳۸۵). راه های به کارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی. جهاد. (۲۷۴)، ۱۴۱-۱۵۷.
۱۴. فرجی، فرشته و احسانی فر، تهمنه؛ نادری، نادر و رضایی، بیژن. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. (۴)، ۹۱-۱۰۴.
۱۵. علیخانی دادوکلایی، مهدی و اصغرزاد، لادن. (۱۳۹۳). اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. (۲)، ۱-۱۴.
۱۶. کلاگر، پیمان و آقائی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. (۱)، ۶۱-۸۳.
۱۷. ملا شاهی، غلامعباس و تبریزی دخت فرد، النا. (۱۳۹۳). اهمیت کارآفرینی و نقش آن در توسعه جوامع روستایی. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. (۴۴)، ۲۸-۳۲.
۱۸. معصومی، احسان و زمانی، ناصر. (۱۳۹۳). مدل تشخیص فرصت های کارآفرینانه در بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. (۴)، ۱-۱۸.
۱۹. موحدی، رضا؛ حیدری ترازک، خدیجه و سامیان، مسعود. (۱۳۹۳). آموزش کارآفرینی کشاورزی پیش نیاز توسعه کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. (۴)، ۳۳-۴۸.
۲۰. نادری مهدی، کریم. (۱۳۹۳). کارآفرینی و راهنمایی خود اشتغالی. همدان: انتشارات مصفاى الوند.

- 21- Baumgartner, D., Schulz, T., and Seidi, I., p.(2013). Quautifying entrepreneurship and its impact on local economic performans: A spatial assessment in rural Switzerland entrepreneurship and Regional development. *Entrepreneurship & Regional Development An International Journal* 25(3-4). pp 222-250.
- 22- Brunjes, J., and Dize, J. R. (2013). Recession Push and Prospertis Pull Entrepreneurship in Rural Developing Context. *Entrepreneurship & Regional Development An International Journal*. 25 (3-4): 251-271.
- 23- Christman, j.j. , Chu , J.H., and Sharma, p.(2003). *Current Trends and Future Directions in Family Businece Manegment Studies: Toward a Theory of the Family Firm*. Coleman white paper series. (4): 1-63.
- 24- Francis O. Nwankwo., and Chinwe S. Okeke. (2017). Rural entrepreneurship and rural development in Nigeria. Available on <http://apsdpr.org/>.
- 25- Heriot, C. & Campbehh. C. (2002). *A New Approach to Rural Enterepreneurship: A Case study of tow Rural Electric Coopratives*. Available on <http://usasbe.org/knowledge>.
- 26- Kaveh Pische, F. & Ghasempourmoghadam, H. *The Study of Importance of Entrepreneurship Training in Self – Employment Development*. INTERNATIONAL CONFERENCE RESEARCH SCIENCE AND TECHNOLOGY. 14 Decmber 2015. Kualalampur – Malaysia.
- 27- Nagaraja, K., and Dwivedi, A. K. (2015). Sustainable Rural Development through Entrepreneurship Development Programs. Eleventh Biennial Conference on Entrepreneurship, At EDI of India, Ahmedabad, Volume: Eleventh.
- 28- Thoma, S.G., Grigore, A.M., and Marnies, P. (2013). *Economic Development and Entrepreneurship*. *Procedia Economic and Finance*. 8(2). pp 443-436.